

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

استدلال به دومين آيه

آيه دومي كه در بحث تلقیح نطفه اجنبی در رحم اجنبیه به آن استدلال شده است، آیه 5 سوره مؤمنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». نکاتی راجع به این آیه در بحث گذشته عرض کردیم و در اشکال دوم به استدلال به این آیه گفتیم که چون روایاتی داریم که آن روایات دال بر این است که هر جا در قرآن حفظ الفرج آمده است مقصود زنا است، الا در آیه 31 سوره نور که «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» که روایات می گوید فقط در این آیه مقصود از حفظ الفرج نگاه است، یعنی زنها نباید بگذارند دیگران به فروج آنها نگاه کنند، گفتیم که اگر این روایات باشد که هست و در چند کتاب روایی هم نقل شده است اگر فقیهی بخواهد به این آیه «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» استدلال کند می گویم این استدلال درست نیست، برای اینکه این آیه در مقام بیان حرمت زنا است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» یعنی مردانی که آمیزش نمی کنند مگر نسبت به ازواج و ملک یمینشان و دیگر نمی شود به آیه در ما نحن فیه استدلال کرد.

استدلال به صدر و ذیل آیه شریفه

و گفتیم که مدعی حرمت تلقیح می تواند در این آیه شریفه، هم به صدرش استدلال کند و هم به ذیل آن، و در جلسه گذشته فرقی را هم ذکر کردیم و گفتیم اگر بخواهیم به صدر آیه استدلال کنیم باید این حذف المتعلق یفید العموم را ضمیمه استدلال کنیم ولی اگر بخواهیم به ذیل آیه تمسک کنیم نیازی به ضمیمه این قاعده ندارد. این ذیل آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» که صدر آیه می خورد و ذلک یعنی مردان فقط نسبت به ازواج خودشان یا ملک یمین آمیزش می کنند، اگر کسی غیر از این عمل کرد فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (اینها تجاوزکارند). نتیجه این می شود که ما اگر بخواهیم ذیل آیه شریفه را با توجه به صدر آیه معنا کنیم و صدر آیه هم مربوط به زنا است ذیل آیه معنای محدودی پیدا می کند.

بیان روایتی در باب استمناء

اما - در آن جلسه گفتیم که در ذهن بنده است که روایتی در باب استمناء وجود دارد که بنده روایت را پیدا کردم - در باب حرمت استمناء که یک مطلبی است که تقریباً اتفاقی است - البته در میان فقهاء داشتیم که گفته اند استمناء اختیاراً جایز است اما نود درصد فقهاء استمناء را حرام می دانند بلکه از گناهان کبیره هم می دانند - وقتی به استمناء می رسند بحث در این است

که دلیل بر حرمت استمناء چیست؟ دلیل روایی، آن روایتی بود که در بحث های گذشته خواندیم که «**كُلُّ مَا أَنْزَلَ رَجُلٌ مِنْ مَاءٍ مِنْ هَذَا وَشَبَّهَ فَهُوَ زَنَّا**» از امام سؤال کرده بود که «**الرَّجُلُ يَنْكَحُ الْبَهِيمَةَ**» مردی با بهیمه ای وطی می کند «**أَوْ يَدْلِكُ**» - که دیگر ندارد **أَوْ يَدْلِكُ الْبَهِيمَةَ** - آیا جایز است یا نه؟ که هم در ینکح البهیمه و هم در دلک انزال ماء است و امام در جواب فرمود «**كُلُّ مَا أَنْزَلَ رَجُلٌ مِنْ مَاءٍ مِنْ هَذَا وَشَبَّهَ فَهُوَ زَنِيٌّ**» اگر مرد ماء خود را انزال کند از طریق نکاح بهیمه و دلک و شبیه اینها آن هم زناست، که ما «**فَهُوَ زَنِيٌّ**» را معنا کردیم یعنی چه؟

روایت حرمت استمناء

اما در روایتی وارد شده که یکی از اصحاب امام صادق (ع) از حضرت سؤال کرد که «**بَيِّنْ لِي مِنَ الْقُرْآنِ**»، برای حرام بودن استمناء، از قرآن برای ما دلیل بیاورید. حضرت به همین ذیل آیه تمسک می کند. «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**» این روایت در ج 28، وسائل الشیعه چاپ آل البیت، کتاب الحدود، ص 364، باب سوم از ابواب نکاح بهائم، حدیث چهارم «**أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ** - یعنی کتابهای روایی که روایاتی را که در کتاب روایی دیگر نیست جمع کرده، تفسیرهای دیگری هم برای نواذر وجود دارد - **عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلَ الصَّادِقَ (ع) عَنْ الْخُضْخُضَةِ - خُضْخُضَةُ هِمِينَ اسْتِمْنَاءٌ اسْتِ**

حضرت فرمود گناه بزرگی است - **قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ** - خداوند در قرآن نهی کرده است - **وَفَاعِلُهُ كُنَاكِحُ نَفْسِهِ** - و فاعلش مثل کسی است که با خودش وطی کند - **وَلَوْ عَلِمْتَ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتَ مَعَهُ** - اگر بدانی آنچه را که او انجام می دهد حقیقتش چیست با او سر سفره غذا نمی نشستی - **فَقَالَ السَّائِلُ فَيَبِّنْ لِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ، فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**» ذیل آیه دلالت بر این دارد که مرد از نظر حفظ الفرج فقط می تواند با حلیله خود ارتباط داشته باشد و در رابطه با حلیله خودش اگر انزالی از او صادر شد این مانعی ندارد، اما ما **وَرَاءَ ذَلِكَ**، یعنی اگر یک مردی با زن اجنبیه یا با بهیمه یا مردی خودش به تنهایی بخواهد استمناء کند، امام می فرماید «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**» و هو مما وراء ذلك» یعنی این استمناء یعنی از مصادیق وراء ذلک است.

در ادامه دارد: «**فَقَالَ الرَّجُلُ أَيْمًا أَكْبَرَ الزَّنا أَوْ هِيَ** - از امام سؤال کرد که آیا زنا بدتر است یا خضخضه - **فَقَالَ هُوَ ذَنْبٌ عَظِيمٌ** - این استمناء گناه عظیمی است - **قَدْ قَالَ الْقَائِلُ بَعْضُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ بَعْضٍ** - امام فرمودند بعضی می گویند که گناهی از گناه دیگر کوچکتر است «**وَالذَّنُوبُ كُلُّهَا عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ**» گناه همه اش بزرگ است. این بحثی است که در مباحث عدالت مطرح می شود که آیا می توانیم گناهان را به دو بخش کبیره و صغیره تقسیم کنیم. برخی گفته اند تمامی گناهان کبیره است. هر ذنبی، ذنب عظیم است، این روایت هم مؤید آن است «**الذَّنُوبُ كُلُّهَا عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ لِأَنَّهَا مَعَاصِي وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مِنَ الْعِبَادِ الْعَصِيانَ**» خداوند هم عصیان را دوست ندارد - .

شاهد بحث در روایت

شاهد ما صدر روایت است که در این روایت امام به «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ**» برای حرمت استمناء استدلال کرده است. آیا ما می توانیم از «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ**» حرمت لواط را هم استفاده کنیم ولو در حرمت لواط انزال هم نباشد؛ اگر کل آیه را روی قاعده اشتراک گفتیم این «**وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ**» اختصاص به رجال ندارد و در مورد نساء هم مطرح می شود، آیا می توانیم بگوییم مساحقه را هم شامل می شود؟ که ممکن است کسی استفاده کند که با توجه به این ذیل آیه، زنا، لواط، تفخیز، استمناء، لمس نامحرم و نگاه می شود مصداق برای «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ**»، و تا جایی که بگوییم شامل اجاره رحم هم بشود -

اجاره رحم این است که نطفه زوج را با تخمک زوجه شرعی خودش تلقیح می کنند، منتهی چون رحم این زن قابلیت تحمل را ندارد، این نطفه ترکیب شده را داخل در رحم دیگری قرار می دهند و رحم دیگری را اجاره و عاریه می کنند. برای این کار – قد یقال بر اینکه ذیل آیه می گوید تمام اینها اشکال دارد، می گوید اگر زن اجازه داد که نطفه اجنبی در رحم او قرار داده شود می شود [فَمَنْ ابْتَغِي وَرَاءَ ذَلِكَ](#) . آن طرف قضیه، مردی انزال کرده و رفته و ماء را در اختیار مرکزی قرار داده، این را در رحم اجنبیه قرار داده اند، نمی توانیم بگوییم [ابْتَغِي وَرَاءَ ذَلِكَ](#) شامل مرد می شود، اما اگر گفتیم آیه اختصاص به رجال ندارد و شامل نساء هم می شود و در مورد نساء بگوییم حافظون، [ابْتَغِي وَرَاءَ ذَلِكَ](#) یعنی اجازه دهد نطفه غیر در رحم او قرار داده شود و نتیجه این می شود که این کار حرام است و جایز نیست.

نظر استاد

به نظر ما ذیل آیه با توجه به استدلالی که امام به آن کرده است بسیار محکم است. و می توان به آن استدلال کرد. دو آیه دیگر هم برای این مدعا وجود دارد که ببینیم که آن دو آیه هم دلالتش تام است یا نه؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.